نیروی انسانی - اشتغال: میزان فقر در چین

پژوهش جدید نشان می‏دهد که‏ فقر در چین بسیار گسترده است‏ و اقتصاد کوچکتر از آنست که قبلا" تصور می‏شود.در سالهای اخیر،چنین‏ تصور می‏شد که چین به صورت یک‏ ابرقدرت اقتصادی درآمده‏ است.اقتصاددانان مشهور پیشبینی‏ کرده‏اند که اقتصاد چین می‏تواند تا سال‏ 2001 بزرگترین اقتصاد جهانی باشد. در این میان،بازرگانان تمام توجه خود را به‏ توان بالقوه بازار این کشور،با 2/1 میلیارد نفر مصرف‏کننده معطوف کرده‏اند. بانک جهانی نیز پیشرفتهای چین‏ را در زمینه کاهش نسبت جمعیت فقیر این‏ کشور به کمتر از یک دهم ستایش کرده‏ است.

تنها یک اشکال وجود دارد.بسیاری‏ از ارقامی که مبنای این ادعا بوده،ظاهرا" نادرست بوده است،در گزارش اخیر بانک‏ جهانی با نام‏"فقر در چین،ارقام چه‏ می‏گویند؟"آمار سایر نشریات این بانک‏ به‏طور اساسی مورد بازبینی قرار گرفته‏ است.در ارقام جدید،برآورد مربوط به اندازه‏ اقتصاد چین تا 25 درصد کاهش می‏یابد. بانک نیز تصمیم گرفت که نسبت جمعیت‏ فقیر این کشور را به جای 7 درصد(که تا این‏ اواخر اعلام می‏شد)نزدیک‏به‏یک سوم‏ برآورد می‏کند.

این بازبینی‏ها به این معنی نیست که‏ معجزه اقتصادی چین یک سراب است. نرخ رشد این کشور در ردیف بالاترین‏ نرخهای رشد جهان قرار داد.تجارت‏ و درآمدهای رسیم چین همچنان رو به‏ افزایش می‏رود.ولی ارقام جدید نشان‏ می‏دهد که این کشور بیش از آنچه که‏ تصور می‏شد از کشورهای توسعه یافته‏ عقب‏تر است.

دنیای آمار اغلب به نظر می‏رسد که‏ می‏تواند به شدت غیر واقعی باشد.ولی‏ برآوردهای بانک جهانی و سایر سازمانها، به خاطر تاثیرشان در دنیای واقعی، از اهمیت برخوردارند.بازسازی بین المللی‏ چین پس از قتل عام میدان تیانانمن‏ در سال 1989،به شدت تحت تاثیر رونق‏ و شکوفایی این کشور قرار گرفت انزجار از کشتار مذبور با تلاشهای فزاینده دولت‏ در جهت فقرزدایی صدها میلیون‏ نفر از جمعیت چین جبران شد.از طرف‏ دیگر،این باور به وجود آمد که این‏ کشور می‏تواند به صورت اقتصاد مهم‏ قرن آینده خودنمایی کند.

اگر اکنون برخی ایز این موقعیت‏ها از معجزه‏ چین جدا شود،آیا این کشور از لحاظ بین المللی آسیب خواهد دید؟.در پاسخ‏ باید گفت که لزوما"چنین نیست.در واقع، شاید اکنون بهتر است که چین فقیر باشد تا ثروتمند.یکی از بزرگترین مشکلات‏ بین المللی که رو در روی این کشور قرار دارد، مسئله شرایط الحاق به سازمان تجارت‏ جهانی است.هر چقدر چین‏ ثروتمندتر باشد؟آمریکا و سایر اعضای‏ سازمان مذبور انتظار دارند که قوانین‏ تجاری با سرعت بیشتری در این‏ کشور آزادسازی شود.در نتیجه،اگر چین‏ بسیار فقیر باشد،در واقع باعث خشنودی‏ مقامهای این کشور خواهد بود.

دروغهای بزرگ

"در گزارش فقر"بانک جهانی، دو تغییر عمده انجام شده است.نخست‏ آنکه سطح درآمد یک چینی(که اگر کمتر از آن باشد می‏توان او را فقیر دانست) از 60 سنت در روز به یک دلار در روز افزایش یافته است.بدین‏ترتیب، تعداد چینیهایی که تصور می‏شدند فقیر هستند از کمتر از صد میلیون نفر به بیش‏ از 300 میلیون نفر افزایش یافت.دوم‏ اینکه،در گزارش مذبور،درآمد سرانه یک‏ چینی،که براساس‏"برابری قدرت خرید" ارزیابی شده،از برآورد کمتری‏ برخوردار است.در"گزارش توسعه جهانی‏ سال 1996"بانک جهانی،تولید ناخالص‏ داخلی سرانه این کشور،برمبنای برابری‏ قدرت خرید،در حدود 2500 دلار در سال‏ 1994 عنوان شده،درحالی‏که این رقم‏ در گزارشی جدید به 1800 دلار کاهش‏ یافته است.

این تغییر باعث می‏شود تا برآورد اندازه‏ اقتصاد چین به نحو چشمگیری کاهش‏ یابد.

مأخذ:اکونومیست،اکتبر 1996